

جایگاه قرآن :

(۱) در تبلیغ : اشرف مخلوقات عالم ، کسی که بهتر از او نیست و کاملترین افراد از حیث علم و عمل است،

پیامبر گرامی اسلام است . وقتی خداوند می خواهد به پیامبر بفرماید : ای پیامبر، برو مردم را انذار کن ، بترسان و

تبلیغ دین کن. می فرماید:

" فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ "

ای پیامبر تذکر بده به وسیله قرآن کسانی را که می ترسند از وعید (عذاب) خداوند .

هر چیزی را بخواهید با قرآن بسنجید در قیاس با قرآن ، تأثیر آن را ندارد .

در آیه دیگر نیز می فرماید :

" وَ انذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ " ^۱

بترسان به وسیله قرآن کسانی را که می ترسند که محشور شوند به سوی پروردگارشان .

(۲) در فقه : یکی از مرجحات که در مباحث می باشد در بحث تعارض بین روایات ، موافقت و مخالفت با کتاب

(قرآن) است .

بعضی روایات مخالف با قرآن هستند ، خود اهل بیت فرموده اند : اگر روایتی مخالف با کتاب بود یقین پیدا کنید

که روایت از ما نیست و لو اینکه سندی هم برای آن ساخته باشند.

" خُذْ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ " ^۱

با تمام توانت قرآن را بگیر و از آن استفاده نما .

(۳) فطعی بودن قرآن :

" إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ " ^۲

تأکیدات آیه : جمله اسمیه - إِنْ (ما آن را نازل کردیم . خودمان هم حفظش می کنیم .)

^۱ - مريم / ۱۲ .

^۲ - حجر / ۹ .

" لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ " ^۱

" إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ " ^۲

قطعاً این قرآن هدایت می کند به آیینی که استوارتر است .

در این آیه خداوند می فرماید: قطعاً این قرآن یعنی همین قرآنی که پیش روی شماست و در دست شماست ، این

قرآن هدایت می کند به چیزی که استوارتر است .

الَّتِي : در این جا عمومیت دارد . معمولاً در ترجمه ها الَّتِي به راه و آیین معنا شده است در حالیکه این معنای الَّتِي

نیست ، بلکه " چیزی که " معنا می شود و فقط معنای راه و آیین نمی باشد.

^۱ - فصلت / ۴۲ .

^۲ - اسراء / ۹

اقوم : عمومیت دارد : ۱) از لحاظ محتوی ۲) از لحاظ روش (قالبها)

چرا قرآن از لحاظ محنوی اقوم است ؟

۱) به دلیل اتقان و استحکام .

قرآن از همه لحاظ اتقان و استحکام دارد ، از نظر سند و کلام و نویسنده .

"إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ"^۱

عزیز یعنی چه ؟ آیه بعد عزیز را تفسیر می کند .

" لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ " ^۲

۲- فصلت / ۴۱

۳- فصلت / ۴۲

در جای دیگر قرآن داریم که آیه بعد تفسیر آیه قبل می باشد ، مانند " اللَّهُ الصَّمَدُ " که تفسیر " صمد "

آیه بعد می باشد ، یعنی " لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ " . آیه مورد بحث ، نیز تفسیر

عزیز می باشد .

عزیز یعنی اتقان و استحکام دارد به این معنا که باطل در آن راه ندارد ، نه از مقابل و نه از پشت سر .

" هُنَّ بَيْنَ يَدَيْهِ " تعبیر کنایه ای است یعنی از هیچ طرف و به هیچ وجه باطل در آن راه ندارد .

قرآنی که اینقدر محکم است چرا باید کنار رود برای اثبات سخنان خود سراغ شعر و ضرب المثل و یا

داستانهایی برویم که اساس و پایه ای ندارد . با استفاده از قرآن می توان شبهات را پاسخ گفت ، برای مثال برای

اثبات شفاعت می توان استفاده کرد . اهل سنت می گویند : " لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ " یعنی هیچ شفاعتی پذیرفته

نمی شود . چرا شما قائل به شفاعت هستید ؟

در جواب می توان صریح آیه را آورد: "مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ" کیست که شفاعت کند

نزد خداوند مگر با اذن خداوند . معلوم می شود شفاعت با اذن خدا هیچ اشکالی ندارد . و آن جایی که نفی می کند شفاعت استقلالیست که ما به آن اعتقاد نداریم.

وقتی می توان از این قرآن در مقابل اهل سنت و در مقابل همه (بچه ها ، بزرگترها ، در مقابل بالاترین رتبه علمی) بهره برد ، چرا نباید استفاده کرد.

(۲) به دلیل افناع و امحاء مخاطب :

یعنی مخاطب را هم قانع می کند و هم بی نیاز .

خداوند به پیامبر دستور می دهد:

" فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعَبِيدٌ "¹

(تذکر بده بوسیله قرآن کسانی را که از عذاب خداوند می ترسند .)

وعید: در مقابل وعده است یعنی مجازات و عذاب الهی .

در این آیه خداوند می فرماید : با قرآن تذکر بده .

" وَ أَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ "²

ای پیامبر بترسان به وسیله قرآن کسانی را که می ترسند که محشور شوند نزد پروردگارشان .

³) به دلیل کریم بودن :

¹ - ق / ۴۵

² - انعام / ۵۱ .

کریم به معنای پایان پذیری .

"اِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیْمٌ"

جمله اسمیه — یک تأکید دیگر و اِنْ تأکید دیگر.

در این آیه سه قطعاً وجود دارد خدا می فرماید : (قطعاً قطعاً این قرآن کریم است.) یعنی هیچ وقت تمام

نمی شود . هر چه علم پیشرفت کند حقیقتی از حقایق قرآن آشکار می شود .

اگر تفسیر عرفانی نوشته شود ، اگر تفسیر اجتماعی نوشته شود مثل تفسیر نمونه ، اگر تفسیر عقلی و فلسفی

نوشته شود مثل تفسیر المیزان ، اگر تفسیر ادبی نوشته شود مثل کشف زمخشری ، هیچ کدام از اینها نه در رشته

تخصصی خود حق مطلب را ادا کردند ، به طریق اولی در رشته ها و روشهای دیگر حق مطلب را ادا کردند، به طریق

اولی در رشته ها و روشهای دیگر حق مطلب را ادا نکردند.

روایات هم به کریم بودن قرآن اشاره دارد .

امام علی علیه السلام :

"إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقُو بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَنْقُضُ غَرَائِبُهُ"^۱

بدرستی که ظاهر قرآن زیباست و باطنش ژرف و ناپدید است ، شگفتیهای قرآن تمام نمی شود و اسرار نهفته اش

پایان نمی پذیرد .

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان یک روایتی نقل کردند که هم از پیامبر اکرم و هم از بقیه ائمه به ما

رسیده است .

" أَنَّ لِلْقُرْآنَ ظَهْرًا وَ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ أَوْ إِلَى سَبْعِينَ بَطْنًا "

^۱ - خطبه ۱۸ / نهج البلاغه .

قطعاً برای قرآن ظاهری است و باطنی ، و برای باطنش نیز باطنی ، تا ۷ بطن یا تا ۷۰ بطن.

از این ویژگیها بیشتر می توان پیرامون ویژگیهای قرآن و اقوم بودن آن بحث کرد ولی به علت کمبود وقت به

همین سه ویژگی اکتفا می کنیم.

قرآن از لحاظ روش نیز اقوم است.

اگر قرآن را به عنوان بهترین محتوا داریم باید در یک روش و قالب بسیار زیبا بیان کنیم.

از آیات قرآن می توان برای اهمیت قالبها بحث کرد.

در داستان حضرت ابراهیم داریم که وقتی مهمانها بر حضرت ابراهیم وارد شدند. می فرماید :

" جاء بالعجلِ سمین " ^۱.

جاء لازم است در این جا با (باء) متعدّی شده " آورد حضرت ابراهیم گوساله چاقی " یعنی پیامبر از بین گوساله ها

چاق ترین و بهترین را انتخاب کرد برای مهمانها .

در جای دیگر آمده است :

" جاء بعجلٍ حنیذٍ "

(آورد گوساله ای بریان شده) .

یعنی بهترین گوساله چاق با بهترین پخت . (بریان شده)

در آداب مهمانی هم می توان از این آیات استفاده کرد . که وقتی مهمانی می آید بهترین مواد را با بهترین پخت

کنار مهمان بگذارید .

آنچه ما از آن استفاده می کنیم این است که هم بهترین محتوا باشد (عجلِ سمین) هم بهترین قالب باشد .

(بعجلِ حنیذ)

"قَواریراً من فضه قدّروها تقدیراً"

این ظرفهای بلورین از نقره است، (بهترین ساخت) بادقت و ظرافت آن ظرفها را اندازه داده اند.

این آیات هم بیان می کند که خداوند در بهشت ، بهترین ظرفها را با بهترین ساخت می آورد .

کیفیت تدریس هر روش :

(۱) تعریف قالب و اهمیت آن

(۲) نمونه های فرآنی

(۳) اصول روش و قالب

(۴) ویژگیهای روش

روش ها (قالبها):

(۲) روش سؤال خارجی

(الف) روش پرسش و پاسخ یا روش سؤالی : (۱) روش سؤال داخلی